پژوهش‌نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۳۳ـ۵۷ (مقاله پژوهشی)

No. 25, Autumn & Winter 2019/2020

نقد و بررسی آراء مفسران در تفسیر «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ»

محمدحسین برومند[۱]، امیر جودوی[۲]، سامیه شهبازی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۴/۱۳ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۶/۱۶)

چکیده

عبارت «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ» در آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی انعام، یکی از مواضع مورد اختلاف مفسران است که گروهی، این عبارت را با توجه به ارتباط با آیات قبل تفسیر کرده و آن را دلیلی بر قدرت خداوند در نزول آیه‌ی خواسته‌شده از طرف کفار دانسته‌اند. گروهی دیگر، به تفسیر مستقل این بخش پرداخته و وجوهی چون شباهت انسان و سایر موجودات در مخلوق بودن، شناخت و عبادت خدا، ضبط اعمال برای روز حشر، امت بودن و زندگی اجتماعی داشتن، هدایت و... را میان انسان و حیوان مشترک دانسته‌اند. توجه به ارتباط میان این آیه با آیات قبل و همچنین توجه به مفهوم واژه‌ی «امم»، بحث اعجاز علمی را در این آیه برجسته ساخته و نشان می‌دهد که امت بودن حیوانات و تعاملات اجتماعی آن‌ها، می‌تواند همان آیه‌ای باشد که کفار خواسته‌اند؛ اما همان‌طور که در آیه‌ی ۳۷ آورده شده، «وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ».

کلید واژه‌ها: *آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی انعام، أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ، اعجاز علمی، تفسیر تطبیقی.*

۱. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، (نویسنده مسئول)؛ m.h.baroomand@yazd.ac.ir

۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد؛ amirjoudavi@yazd.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد؛ samiehshahbazi7@gmail.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

۱ـ طرح مسئله

دسته‌ای از مفسران، به بررسی مستقل آیه‌ی ۳۸ پرداخته و آرائی متعدد در خصوص عبارت «أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ» آورده‌اند. ازجمله‌ی این آراء، موارد زیر است:

شباهت میان انسان و دیگر موجودات در مخلوق بودن و یا داشتن شئون مختلف حیات از جمله رزق (قمی ۱۹۸/۱؛ طبری، ۱۱۸/۷ـ۱۲۰؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۶/۴؛ و...)، معرفت و شعور حیوانات در تسبیح و تقدیس خداوند (ابوعبیده، ۱۹۱/۱؛ دینوری، ۲۲۴/۱؛ و...)، عدل الهی و حفظ اعمال موجودات برای حشر و حسابرسی (طبری، ۱۱۸/۷ـ۱۲۰؛ ماتریدی، ۷۹/۴ـ۸۰؛ و ...) و داشتن زندگی اجتماعی (طبری، ۱۱۹/۷؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۵/۴؛ و ....)، یکسان بودن همه‌چیز از نظر نشأت گرفتن از روح خداوند (عرابی، ۱۴۲۶، ج۱۹۶/۱)، نیازمندی همه‌چیز به خداوند (طبرانی، ۲۵/۳)، شبیه بودن در هدایت همه چیز توسط خداوند (ابن‌جوزی، ۲۶/۲؛ و ...)، شباهت برخی انسان‌ها به حیوانات در داشتن صفات حیوانی (شوکانی، ۱۳۰/۲؛ صاوی، ۴۴۴/۱؛ و ...)، شبیه بودن در دریافت فضل الهی (ابن‌عادل، ۱۲۳/۸؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ رضا، ۳۹۰/۷)، شباهت در احاطه خداوند بر همه اشیاء (قطب، ۱۰۸۳/۲؛ قاسمی، ۳۵۰/۴؛ و ...)، شباهت از نظر امت بودن یعنی هر صنف مشتمل بر عدد بسیاری هستند (شباهت در کثرت هر صنف) (دخیل، ۱۷۳؛ ماتریدی، ۷۹/۴ـ۸۰؛ و ...) و نظم فطری (ابن‌عاشور، ۸۹/۶).

دسته‌ای دیگر از مفسران، آیه را مرتبط با آیات قبل تفسیر کرده و آن را اشاره به قدرت خداوند دانسته‌اند؛ به این معنا که خدایی با چنین قدرت، قطعاً می‌تواند خواست کفار مبنی بر نزول آیه را تحقق بخشد (بیضاوی، ۱۶۱/۲؛ ابوالسعود، ۱۳۱/۳؛ و...).[۱]

---

۱. خفاجی، ۸۴/۴؛ قمی مشهدی، ۳۲۱/۴ـ۳۲۵؛ ابن‌ابی‌جامع، ۴۱۸/۱؛ آلوسی، ۱۳۵/۴؛ ابن‌عجیبه، ۱۱۵/۲؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ۲۵۵/۲؛ ابن‌عاشور، ۸۶/۶؛ قطب، ۱۰۸۳/۲؛ بلاغی، ۲۰۱/۲؛ عاملی، ۴۳۴/۳؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ جزایری، ۵۶/۲ـ۵۷؛ صابونی، ۳۶۱/۱.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

مقاله‌ی حاضر، درصدد است تا به این سؤالات پاسخ گوید که:

۱. در تفسیر عبارت «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ یَطِیرُ بِجَنَاحَیْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُکُمْ»، چه آراء تفسیری آورده شده است؟

۲. کدام‌یک از این آراء، قابل پذیرش هستند؟

۳. بررسی ارتباط میان آیه‌ی ۳۸ با آیات قبل، در انتخاب آراء قابل قبول و تکمیل نظرات مفسران درخصوص این آیه، چه کمکی می‌کند؟

۴. چه اعجاز علمی در این آیه وجود دارد که می‌تواند پاسخی برای درخواست کفار در آیات قبل باشد؟

این بررسی‌ها، نشان خواهد داد که توجه به ارتباط میان آیه‌ی ۳۸ با آیات قبل، وجه اعجاز موجود در آیه را برجسته ساخته و این مصداق اعجاز علمی، خود می‌تواند پاسخی به درخواست کفار مبنی بر نزول آیه باشد.

۲ـ دسته‌بندی آراء مفسران

از میان حدود یک‌صدوهفتاد تفسیر بررسی‌شده در این تحقیق، یک‌صدوسی‌وپنج تفسیر به توضیح آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی انعام پرداخته و بقیه مفسران، درخصوص این آیه سکوت کرده‌اند. اکثر مفسران، به‌طور مستقل و جدای از دیگر آیات، به بیان تفسیر این آیه پرداخته‌اند و عده‌ای دیگر، مفهوم آیه‌ی ۳۸ را مرتبط با آیات قبلی می‌دانند.

۲ـ۱. تفسیر آیه مستقل از آیات قبل

۲ـ۱ـ۱. دسته‌ی اول: شباهت انسان و سایر موجودات در مخلوق بودن

تقریباً نیمی از مفسران در تفاسیر مورد بررسی، وجه تشابه در عبارت «أُمَمٌ أَمْثَالُکُمْ» را شباهت انسان و موجودات در مخلوق بودن و نیاز به خداوند در رزق، تدبیر و شئون حیات دانسته‌اند. دسته‌ای مانند قمی، تنها به مخلوق بودن همه‌ی موجودات اشاره کرده‌اند (قمی، ۱۹۸/۱؛ طبری، ۱۱۸/۷؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۶/۴؛ دینوری، ۲۲۴/۱؛ ماتریدی، ۷۹/۴؛

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

و...)[۱] و دسته‌ای دیگر، این شباهت را علاوه بر خلق، در موت، بعث، حیات، رزق و تدبیر نیز می‌دانند (سمرقندی، ۴۴۵/۱؛ طبرانی، ۲۶/۳؛ طوسی، ۱۲۷/۴؛ مکی بن حموش، ۲۰۱۵/۳؛ ابوالفتوح رازی، ۷/ ۲۸۱؛ و...).[۲] از میان متقدمان، این قول به سدی نسبت داده شده است (طبری، ۱۱۸/۷؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۵/۴ـ۱۲۸۶؛ ابن‌کثیر، ۲۲۶/۳ـ۲۲۷؛ سیوطی، ۱۱/۳؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲). عده‌ای از مفسران، موضوع نیازمندی مخلوق به خالق را محور شباهت قرار داده و این‌گونه تفسیر می‌کنند که هیچ جنبنده‌ای در زمین و آسمان نیست، مگر آنکه مانند انسان به خداوند نیاز دارد (طبرانی، ۲۵/۳؛ جرجانی، ۶۰۶/۱؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۴/ ۴۶۱؛ و....).[۳] ابن عادل در *اللباب فی علوم الکتاب* و رشید رضا در *المنار* (ابن‌عادل، ۱۲۴/۸؛ رضا، ۳۹۰/۷)، این شباهت را در یکسانی تمامی موجودات در دریافت فضل، عنایت، رحمت و احسان الهی دانسته‌اند. این دسته از مفسران، دلیل برای رأی خود نیاورده‌اند.

۲ـ۱ـ۲. دسته‌ی دوم: شباهت در شناخت و عبادت خدا

از میان تفاسیر بررسی‌شده، حدود یک‌سوم، وجه شباهت را در وجود شعوری مشابه

---

۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۴۶۱/۴؛ طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ۳۷۷/۱؛ نیشابوری، ۲۹۴/۱؛ ابن‌کثیر، ۲۲۶/۳؛ نظام الاعرج، ۷۵/۳؛ خازن، ۱۱۱/۲؛ ابن‌عرفه، ۱۵۳/۲؛ سیوطی، ۳/ ۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۱۸/۲؛ حویزی، ۷۱۴/۱؛ بحرانی، ۴۱۶/۲؛ قمی مشهدی، ۳۲۲/۴؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ۲۵۵/۲؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۸۵/۳؛ رضا، ۳۸۹/۷ـ۴۰۳؛ حائری طهرانی، ۴/ ۱۶۵؛ آل‌غازی، ۳۳۹/۳؛ نهاوندی، ۴۸۱/۲؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ فضل‌الله، ۹۰/۹؛ زبیدی، ۲۶۵/۲؛ دخیل، ۱۷۳؛ امین، [بی‌نا] ـ [بی‌جا]، ۳۵/۵؛ صابونی، ۳۶۱/۱؛ داورپناه، ۱۷۵/۱۲؛ دهقان، ۱۹۷/۳.

۲. میبدی، ۳۴۳/۳؛ ابن‌جوزی، ۲۶/۲؛ بغوی، ۱۲۲/۲؛ فخررازی، ۵۲۵/۱۲؛ نسفی، ۱۷/۲؛ ابن‌جزی، ۲۶۰/۱؛ ابوحیان، ۵۰۱/۴؛ جرجانی، ۵۴/۳؛ سمین، ۵۲/۳؛ خازن، ۱۱۱/۲؛ ثعالبی، ۴۶۲/۲؛ محلی، ۱۳۵؛ سیواسی، ۱۳/۲ـ۱۴؛ ابن‌عادل، ۱۲۳/۸؛ کاشانی، ۳۸۶/۳؛ کاشفی، ۲۷۸؛ کاشانی، ۳۳۵/۱؛ ابن‌ابی‌جامع، ۴۱۷/۱ـ۴۱۸؛ پانی‌پتی، ۲۳۴/۳؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۲۶۲/۳؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ سبزواری، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، ۱۳۷؛ جزایری، ۵۶/۲

۳. نیشابوری، ۲۹۴/۱؛ نسفی، ۱۷/۲؛ ابوحیان، ۵۰۲/۴؛ اشکوری، ۷۵۴/۱؛ عاملی، ۴۳۴/۳؛ سبزواری، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ۲۸/۳؛ سیدکریمی حسینی، ۱۳۲؛ رضایی اصفهانی، ۸۰/۶؛ حوی، ۱۶۲۱/۳؛ دهقان، ۱۹۷/۳.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

انسان در حیوانات دانسته‌اند و اینکه حیوانات هم نسبت بـه خداونـد، شـناخت و معرفـت داشته و به‌اندازه‌ی توان خود، خدا را تسبیح و تقدیس می‌کنند (ابوعبیده، ۱۹۱/۱؛ دینوری، ۲۲۴/۱؛ ماتریدی، ۸۰/۴؛ ثعلبی، ۱۴۶/۴؛ مکی بن حموش، ۲۰۱۳/۳؛ و...).[۱]

در اثبات این موضوع، برخی به آیات قرآن ازجمله «**وَ إِنْ مِنْ شَیْءٍ إِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لکِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ**» (الاسراء، ۴۴) و آیه‌ی «**أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ یُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الطَّیْرُ صَافَّاتٍ کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبِیحَهُ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ بِما یَفْعَلُونَ**» (النور، ۲۴) استناد کرده‌اند (میبدی، ۳۴۳/۳؛ فخررازی، ۵۲۴/۱۲ـ۵۲۵؛ ابوحیان، ۵۰۲/۴؛ و ...).[۲]

طباطبایی در تفسیر المیزان، در توضیح شـعور داشـتن حیوانـات آورده اسـت کـه مـراد از شباهت بین انسان و حیوان، تنها در شئون حیات نیست؛ بلکه جهت اشتراک اصلی، در مسـئله‌ی بازگشت به سوی خدا است که باید دید ملاک بازگشت انسان به خدا و حشر او چیسـت؛ چـرا که همان ملاک، ملاک حشر حیوانات نیز خواهد بود. وی سپس این ملاک در انسان را نـوعی از زندگی ارادی، شعور و یا به‌عبارتی دیگر، فطرت معرفی می‌کند (طباطبایی، ۷۳/۷).

همچنین در تفسیر نمونه، در این‌خصوص آمده است: «منظور شباهت آن‌ها با انسـان، از نظر درک و فهم و شعور است؛ یعنی آن‌ها نیز در عالم خود دارای علم و شعور و ادراک هسـتند، خدا را می‌شناسند و به‌اندازه‌ی توانایی خود، او را تسبیح و تقدیس می‌گویند» (مکـارم شـیرازی، ۲۲۲/۵). هرچند استناد به این آیات، وجود شعور و تسبیح در حیوانات را نشان مـی‌دهـد؛ امـا برای اثبات آنکه وجه شباهت مورد نظر در «**أُمَمٌ أَمْثَالُکُمْ**» باشد، کافی نیست.

---

۱. جرجانی، ۶۰۶/۱؛ ابن‌جوزی، ۲۶/۲؛ بغوی، ۱۲۲/۲؛ روزبهـان بقلـی، ۳۵۴/۱؛ خـازن، ۱۱۱/۲؛ ثعـالبی، ۴۶۲/۲؛ ابن‌عادل، ۱۲۳/۸؛ کاشفی، ۲۷۸؛ خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ فیض کاشانی، ۱۱۸/۲؛ قمـی مشـهدی، ۳۲۲/۴؛ جمـل، ۳۴۵/۲؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ مغنیه، التفسیر الکاشـف، ۱۸۵/۳؛ ثعـالبی، ۴۶۲/۲؛ ابـن‌عـادل، ۱۲۳/۸؛ کاشـفی، ۲۷۸؛ خطیب شـربینی، ۴۸۵/۱؛ جمـل، ۳۴۵/۲؛ شـوکانی، ۱۳۰/۲؛ مغنیـه، التفسـیر الکاشـف، ۱۸۵/۳؛ رضـا، ۳۹۳/۷؛ نهاوندی، ۴۸۱/۲؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ نووی، ۳۱۶/۱؛ طیـب، ۶۱/۵؛ قرائتـی، ۴۵۱/۲؛ رضـایی اصـفهانی، ۸۱/۶؛ هاشمی رفسنجانی، ۷۱/۵؛ ثقفی تهرانی، ۳۱۷/۲؛ دهقان، ۱۹۷/۳.

۲. نظام الاعرج، ۷۵/۳؛ طوفی، ۲۴۳؛ صاوی، ۴۴۴/۱؛ حائری طهرانی، ۱۶۴/۴؛ آل‌غازی، ۳۳۹/۳؛ شعراوی، ۳۶۰۸/۶).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

۲ـ۱ـ۳. دسته‌ی سوم: شباهت در ضبط اعمال برای روز حشر

از آنجا که این آیه با بحث حشر تمام می‌شود، تقریباً اکثر مفسران، موضوع وجود حشری شبیه به انسان برای حیوانات را مطرح کرده و به آیاتی هم استناد کرده‌اند؛[۱] اما اینکه مقصود از شباهت در عبارت «أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ» وجود حشری شبیه به انسان برای حیوانات باشد، تنها در برخی از تفاسیر به آن تصریح شده است (طبرانی، ۲۶/۳؛ ماتریدی، ۷۹/۴؛ طوسی، ۱۲۷/۴؛ مکی بن حموش، ۲۰۱۳/۳؛ و...).[۲]

بیان حشر در روز قیامت، به‌عنوان وجه شباهت در این آیه، بعضاً از طریق ابوهریره به پیامبر(ص) نسبت داده شده است (ماتریدی،۷۹/۴؛ مکی بن حموش،۲۰۱۳/۳؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲). زمخشری، کاشانی، ابوسعود و جمعی دیگر، در بیان این وجه شباهت، آورده‌اند که مقصود آن است که خداوند احوال تمامی موجودات را مانند انسان حفظ و ثبت می‌کند (زمخشری، ۲۰/۲؛ کاشانی، ۳/ ۳۸۶؛ و...)[۳] و با آن‌ها به عدالت برخورد خواهد شد (طوسی، ۱۲۷/۴).

علامه طباطبایی، با استناد به بخش آخر آیه که می‌فرماید: «ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ»، مسئله‌ی ذی‌شعور بودن حیوانات را ملاک حشر و بازگشت به سوی خدا دانسته و آن را وجه شباهت انسان و حیوان معرفی کرده است (طباطبایی، ۷۳/۷). غیر از علامه که

---

۱. از جمله: «وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (التکویر، ۵)، که ابن عربی به آن استناد می‌کند (ابن‌عربی، ۷۸/۲).

۲. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۴۶۱/۴؛ ابوالفتوح رازی، ۲۸۱/۷؛ زمخشری، ۲۰/۲؛ فخررازی، ۵۲۴/۱۲؛ بیضاوی، ۱۶۱/۲؛ سمین، ۵۲/۳؛ طوفی، ۲۴۳؛ ثعالبی، ۴۶۲/۲؛ بقاعی، ۶۳۲/۲؛ ابن‌عادل، ۱۲۳/۸؛ کاشانی، ۳۸۶/۳؛ ابوالسعود، ۱۳۱/۳؛ شیخ‌زاده، ۴۰/۴؛ خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ فیض کاشانی، ۱۱۸/۲؛ خفاجی، ۸۴/۴؛ قمی مشهدی، ۳۲۲/۴؛ حقی برسوی، ۲۶/۳؛ آلوسی، ۱۳۵/۴؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ۲۵۵/۲؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ ابن‌عاشور، ۸۶/۶؛ حائری طهرانی، ۱۶۵/۴؛ عاملی، ۴۳۴/۳؛ نهاوندی، ۴۸۱/۲؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ طباطبایی، ۷۰/۷ـ۸۴؛ طیب، ۶۱/۵؛ رضایی اصفهانی، ۸۱/۶؛ جزایری، ۵۶/۲؛ امین، ۳۵٫۵

۳. ابوالسعود، ۱۳۱/۳؛ شیخ‌زاده، ۴۰/۴؛ خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ فیض کاشانی، ۱۱۸/۲؛ خفاجی، ۸۴/۴؛ قمی مشهدی، ۳۲۲/۴؛ حقی برسوی، ۲۶/۳؛ آلوسی، ۱۳۵/۴؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ۲۵۵/۲؛ نهاوندی، ۴۸۱/۲.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

ارتباطی میان صدر و ذیل آیه و همچنین ارتباط بین ذی‌شعور بودن و حشر را برقرار کرده و موضوع را تحلیل می‌کند، سایر مفسران، دلیل دیگری ارائه نکرده‌اند.

۲ـ۱ـ٤. دسته‌ی چهارم: شباهت در امت بودن و زندگی اجتماعی داشتن

اکثر مفسران، با استناد به واژه‌ی «أُمَمٌ» به وجه شباهت انسان و حیوان از جهت امت بودن اشاره داشته‌اند (طبری، ۱۱۸/۷؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۵/۴ـ۱۲۸۶؛ ثعلبی، ۱۴۶/۴؛ و...).[۱] از میان متقدمان، این قول که دیگر موجودات هم مانند انسان اصنافی با نام‌های مشخص هستند و یا اینکه امت‌هایی هستند که زندگی اجتماعی دارند، به مجاهد[۲] و قتاده[۳] نسبت داده می‌شود (طبری، ۱۱۸/۷؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۸۵/۴ـ۱۲۸۶؛ جرجانی، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، ۶۰۶/۱؛ و...).[۴]

المیزان و الفرقان، ارتباطی میان شعور حیوانات و زندگی اجتماعی آن‌ها برقرار کرده

---

۱. ابوالفتوح رازی، ۲۸۱/۷؛ میبدی، ۳/ ۳۴۳؛ بغوی، ۱۲۲/۲؛ فخررازی، ۵۲۳/۱۲ـ۵۲۶؛ ابن‌عربی، ۷۷/۲ـ۷۸؛ ابن‌کثیر، ۲۲۶/۳ـ۲۲۷؛ ابن‌عادل، ۱۲۳/۸ـ۱۲۴؛ سیوطی، ۱۱/۳؛ خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ آلوسی، ۱۳۵/۴ـ۱۳۹؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ صاوی، ۴۴۴/۱؛ ابن‌عاشور، ۸۶/۶ـ۹۰؛ قطب، ۱۰۸۳/۲ـ۱۰۸۵؛ رضا، ۳۸۹/۷ـ۴۰۳؛ حائری طهرانی، ۱۶۴/۴ـ۱۶۵؛ آل‌غازی، ۳۳۸/۳ـ۳۳۹؛ بلاغی، ۲۰۱/۲؛ خسروانی، ۶۳/۳ـ۶۶؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۱۰/۱۰ـ۱۵؛ فضل الله، ۸۸/۹ـ۹۱؛ مدرسی، ۵۸/۳؛ طیب، ۵۸/۵ـ۶۱؛ قرشی بنابی، تفسیر احسن الحدیث، ۲۱۵/۳ـ۲۱۶؛ قرائتی، ۴۴۸/۲ـ۴۵۴؛ صادقی تهرانی، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۳۲؛ شحاته، ۱۲۶۱/۴ـ۱۲۶۲؛ حسینی همدانی، ۳۰۰/۵ـ۳۱۰؛ شعراوی، ۳۶۰۸/۶ـ۳۶۱۱؛ امین، ۳۵/۵ـ۳۷؛ داورپناه، ۱۷۴/۱۲ـ۱۷۵؛ مقاتل بن سلیمان، ۵۶۰/۱؛ ماتریدی، ۷۹/۴ـ۸۰؛ طوسی، ۱۲۷/۴ـ۱۳۰؛ واحدی، ۳۵۲/۱؛ مکی بن حموش، ۲۰۱۳/۳ـ۲۰۱۷؛ جرجانی، ۶۰۶/۱؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۴۶۱/۴؛ ابن‌جوزی، ۲۶/۲؛ ابوحیان، ۵۰۰/۴ـ۵۰۴؛ سیواسی، ۱۳/۲ـ۱۴؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۸۵/۳.

۲. عن مجاهد فی قوله تعالی (إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُکُمْ) قال أصنعا مصنفهٔ تعرف بأسمائها (رضا، ۳۹۲/۷).

۳. عن قتادهٔ: الطیر أمهٔ و الانس أمهٔ و الجن أمهٔ (رضا، ۳۹۲/۷).

۴. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۴۶۱/۴؛ میبدی، ۳۴۳/۳؛ ابن‌جوزی، ۲۶/۲؛ بغوی، ۱۲۲/۲؛ ابن‌کثیر، ۲۲۶/۳ـ۲۲۷؛ ابوحیان، ۵۰۰/۴ـ۵۰۴؛ ابن‌عادل، ۱۲۳/۸ـ۱۲۴؛ خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ رضا، ۳۸۹/۷ـ۴۰۳؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ هواری، ۴۷۲/۱؛ سیوطی، ۱۱/۳.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

(صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۱۳/۱۰) و دلایلی زیست‌شناختی برای آن ارائه می‌کنند. علامه، به ظرافت‌هایی عجیب در صنعت و لطایفی در طرز اداره‌ی مملکت بین زنبورعسل، مورچه و موریانه اشاره می‌کند که فقط در ملت‌های متمدن دیده شده است. وی همچنین به بیان قرآن در آیه‌ی «وَ فِی خَلْقِکُمْ وَ ما یَبُثُّ مِنْ دابَّةٍ آیاتٌ لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ» (الجاثیه، ۴) می‌پردازد که مردم را به شناخت حیوانات و خلقت آن‌ها دعوت کرده است (طباطبایی، ۷۴/۷).

برخی از مفسران همچون شحاته، حسینی همدانی و شعراوی، در توضیح شعور و زندگی اجتماعی حیوانات، به آیاتی از قرآن استناد می‌کنند (شحاته، ۱۲۶۱/۴ـ۱۲۶۲؛ حسینی همدانی، ۳۰۰/۵ـ۳۱۰؛ شعراوی، ۶/ ۳۶۰۹)؛ از جمله آیه‌ی هجدهم از سوره‌ی نمل که می‌فرماید: «قالَتْ نَمْلَةٌ یا أَیُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَساکِنَکُمْ لا یَحْطِمَنَّکُمْ سُلَیْمانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ» (النمل، ۱۸) یا جریان هدهد در همین سوره (حسینی همدانی، ۳۰۹/۵).

در بررسی این دسته از آراء، باید توجه داشت که استناد به واژه‌ی امم در این آیه و همچنین بررسی مثال‌هایی از زندگی اجتماعی حیوانات در طبیعت که علم بعدها به آن‌ها دست پیدا کرده است و استناد به آیات قران در اثبات شعور و وجود زندگی اجتماعی میان حیوانات، امت بودن حیوانات را نشان می‌دهد؛ اما برای نشان دادن اینکه مقصود از شباهت در «أُمَمٌ أَمْثالُکُمْ»، تشابه حیوانات و انسان در شعور و زندگی اجتماعی است، هنوز نیازمند دلایل بیشتری هستیم.

۲ـ۱ـ۵. دسته‌ی پنجم: شباهت در هدایت

ابن‌جوزی و ابوحیان، در توضیح شباهت انسان و سایر موجودات در داشتن فهم و هدایت، آورده‌اند که خداوند برای مشرکین نیز هدایت و فهمی قرار داده تا با آن رسولشان را بشناسند؛ همان‌طور که برای تمام موجودات در درک مسائلشان هدایت قرار داده است (ابن‌جوزی، ۲۶/۲). دیگر مفسران هم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به وجود هدایت برای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

انسان و حیوان، به‌عنوان وجه اشتراک، اشاراتی دارند (طوفی، ۲۴۳؛ مغنیه، التفسیر المبین، ۱۶۸؛ سبزواری، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ۲۸/۳؛ طیب، ۶۲/۵؛ شعراوی، ۳۶۰۸/۶). در این دسته از آراء نیز دلیل خاصی مبنی بر آنکه مقصود از شباهت در آیه‌ی مذکور، شباهت در هدایت باشد، ارائه نمی‌شود.

۲ـ۱ـ۶. دسته‌ی ششم: شباهت در رفتارها

در میان برخی تفاسیر (فخررازی، ۵۲۳/۱۲ـ۵۲۶؛ ابوحیان، ۵۰۰/۴ـ۵۰۴؛ مهائمی، ۲۱۷/۱؛ شوکانی، ۱۳۰/۲؛ صاوی، ۴۴۴/۱؛ ابوزهره، ۲۴۹۰/۵ـ۲۴۹۱؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، ۱۰/۱۰ـ۱۵)، از سفیان عیینه نقل شده است که «چون او [سفیان عیینه] این آیه را خواند، گفت: هر آدمی مشابه است در اخلاق و خوی با یکی از حیوانات، چنانکه می‌بینیم یکی مثل شیر جلو می‌رود، دیگری مثل گرگ می‌دود، یکی مثل سگ فریاد می‌کند و دیگری مثل طاووس خود را می‌آراید...» (عاملی، ۳/ ۴۳۴). مفسران، در بیان این رأی که شباهت میان انسان و حیوان را در «أُمَمٌ أَمْثَالُکُمْ» وجود رفتارهای مشابه دانسته‌اند، دلیلی ارائه نمی‌کنند.

۲ـ۱ـ۷. دسته‌ی هفتم: شباهت در داشتن روح الهی

عرابی، در *التفسیر الصوفی الفلسفی للقرآن الکریم*، در تفسیر «**أُمَمٌ أَمْثَالُکُمْ**»، می‌گوید تمام موجودات از این جهت شبیه‌اند که حقیقت همه‌ی آن‌ها روح الهی است که به شکل جماد و نبات و حیوان درآمده است (عرابی، ۱۹۶/۱) و البته او هم دلیلی ارائه نمی‌دهد. در رد این نظر، باید به آیاتی از قرآن توجه داشت که روح را ویژه‌ی انسان آورده (الحجر، ۲۹؛ السجده، ۹) و حتی آیه‌ی «**أُولَئِکَ کَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِکَ هُمُ الْغَافِلُونَ**» (الاعراف، ۱۷۹) و آیه‌ی «**إِنْ هُمْ إِلَّا کَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ** سَبِیلًا» (الفرقان، ۴۴)، انسان‌هایی را شبیه به حیوان می‌داند که گمراه و غافل‌اند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

۲ـ۱ـ۸. دسته‌ی هشتم: شباهت در احاطه‌ی خداوند به احوال موجودات

برخی مفسران، در اشاره به عظمت و قدرت الهی در این آیه، وجه شباهت انسان و حیوان را در احاطه‌ی خداوند به حال کل موجودات دانسته‌اند (زمخشری، ۲۰/۲؛ قطب، ۱۰۸۳/۲ـ۱۰۸۵؛ قاسمی، ۳۵۰/۴ـ۳۵۲؛ ابوزهره، ۲۴۹۰/۵ـ۲۴۹۱؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ جزایری، ۵۶/۲؛ طنطاوی، ۶۹/۵). مفسران بعضاً این رأی را از قول زمخشری آورده‌اند و البته دلیلی برای اینکه در آیه همین وجه شباهت مد نظر باشد، ارائه نشده است؛ اما از آنجا که بحث احاطه‌ی خداوند به موجودات، به انسان و حیوان خلاصه نشده و مربوط به کل خلقت است، نمی‌توان این وجه شباهت را منظور آیه دانست.

۲ـ۱ـ۹. دسته‌ی نهم: شباهت در کثرت تعداد هر صنف

اینکه حیوانات، مانند انسان‌ها امت‌هایی هستند که شامل تعداد کثیری از مخلوقات می‌شوند، رأی دیگری است که از طرف برخی مفسران مطرح شده است (ماتریدی، ۷۹/۴؛ شیبانی، ۲۷۱/۲؛ جرجانی، ۵۴/۳؛ کاشانی، ۳۸۶/۳ـ۳۸۷؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ۲۵۵/۲؛ دخیل، ۱۷۳). ماتریدی، این رأی را به‌عنوان یک احتمال مطرح کرده و می‌گوید[1] که ممکن است شباهت مطرح‌شده در «**أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ**»، در کثرت و زیادیِ تعداد دیگر موجودات، مانند انسان باشد.

۲ـ۲. تفسیر آیه با توجه به ارتباط آن با آیات قبلی

۲ـ۲ـ۱. دسته‌ی دهم: همه‌چیز، آیه و نشانه خداست؛ پس آیه‌ی دیگری نخواهید.

ابن جزی، در بیان این مطلب، ابتدا به شباهت انسان و حیوان در خلق و داشتن شئون حیات اشاره کرده و سپس وجه مناسبت این آیه با آیات قبل از خود را عنوان می‌کند؛ به این ترتیب که در آیات قبل، از طرف کفار از پیامبر (ص) آیه و نشانه خواسته می‌شود و در این آیه، به تفکر در آیات الهی دعوت شده است. ابن جزی معتقد است چنانچه کفار در این آیات تدبر

---

۱. «و یحتمل: إِلَّا أُمَمٌ أَمْثالُكُمْ فی الکثرة، و العدد، و الخلق و الصنوف تعرف بالأسامی ...»(ماتریدی، ۷۹/۴).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

می‌کردند، همه را نشانه‌ی خدا دانسته و آیه‌ی جدید نمی‌خواستند (ابن‌جزی، ۲۶۰/۱). شبیه به همین رأی، در تفسیر *بحر المحیط* از ابوحیان نیز آورده شده است (ابوحیان، ۵۰۰/۴).

بلاغی هم در عباراتی مشابه، آیه و نشانه‌ی قدرت خدا را در نظام زندگانی موجودات و توانایی بر حشر آن‌ها دانسته است و نزول آیه‌ای غیر از آن را غیرضروری می‌داند: «این امت‌ها (پس از زندگانی گوناگون خود)، به‌سوی پروردگارشان جمع کرده می‌شوند آیا این نشانه‌ی قدرت و توحید خدا نیست؟ ... آیا این آیات از معجزات درخواستی کودکانه‌ی شما کمتر است؟» (بلاغی، ۲۰۱/۲).

در نقد این رأی، باید توجه داشت که در این آیه، بحث کلی مطرح نیست. همه اجمالاً می‌دانیم که تمام چیزها، آیه و نشانه‌ی خداوند است. در این آیه، به‌طور خاص درباره‌ی «دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ» و «طَائِرٍ یَطِیرُ بِجَنَاحَیْهِ» و شباهت این دو «أُمَمٌ أَمْثَالُکُمْ» بحث می‌شود؛ پس در تفسیر آیه باید به شباهت این دو توجه داشت.

۲ـ۲ـ۲. دسته‌ی یازدهم: خداوندی که همه‌چیز را آفریده، قدرت دارد آیه‌ای را که می‌خواهید، بیاورد.

اینکه عبارت «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ یَطِیرُ بِجَنَاحَیْهِ»، اشاره به خلقت همه‌چیز توسط خدا دارد (رأی دسته‌ی اول) و این نشان از قدرت خداوند خالق است و اینکه خدا قطعاً می‌تواند آیه‌ای که خواسته‌اید را بیاورد، وجه دیگری است که در آراء برخی مفسرین مطرح شده و در کنار آراء پیشین، این آیه را به آیات قبل از خود پیوند می‌زند (خطیب شربینی، ۴۸۵/۱؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۱۸/۲؛ خفاجی، ۸۴/۴ و...).[۱]

---

۱. جرجانی، ۶۰۶/۱؛ فخررازی، ۵۲۵/۱۲؛ بیضاوی، ۱۶۱/۲؛ ابوالسعود، ۱۳۱/۳؛ شیخ‌زاده، ۴۰/۴؛ قمی مشهدی، ۳۲۲/۴؛ ابن‌ابی‌جامع، ۴۱۷/۱ـ۴۱۸؛ آلوسی، ۱۳۵/۴ـ۱۳۹؛ ابن‌عجیبه، ۱۱۵/۲؛ شبر، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، ۲۵۵/۲؛ شبر، تفسیر القرآن الکریم، ۱۵۳؛ ابن‌عاشور، ۸۶/۶ـ۹۰؛ قاسمی، ۳۵۰/۴ـ۳۵۲؛ بلاغی، ۲۰۱/۲؛ عاملی، ۴۳۴/۳؛ صدیق‌حسن‌خان، ۳۶۸/۲؛ هاشمی رفسنجانی، ۷۰/۵ـ۷۲؛ جزایری، ۵۶/۲؛ صابونی، ۳۶۱/۱؛ دروزه، ۸۵/۴ـ۸۸؛ حوی، ۱۶۲۱/۳.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

فخررازی (فخررازی، ۵۲۵/۱۲) و عاملی، پس از بیان آنکه خداوند برای نزول آیه قدرت دارد، علت عدم نزول آیه را مصلحت نبودن آن بیان می‌کنند: «آن قدرت که مانند شما موجودات دیگر هم آفریده که از بهره‌های زندگی در آسایش هستند، می‌تواند آن معجزه را که مطالبه می‌کنید، بفرستد؛ پس بر مصلحت شما نیست که نمی‌فرستد» (عاملی، ۴۳۴/۳)؛ به این معنا که آن‌ها معتقدند آیه‌ی ۳۸ با آیه‌ی قبل در ارتباط است و در این آیه، جواب تحدی کفار داده شده است؛ اما در این حد که نشان دهد خداوند بر نزول آیه قادر است و لذا آیه‌ای نازل نشده، چون مصلحت نبوده است.

دروزه، شبیه به همین رأی را بیان کرده و نظر خواننده را به اسلوب قرآن جلب می‌کند که کفار با پیامبر در نزول آیه تحدی می‌کنند و خداوند نظر آن‌ها را به آیات عظیم موجود در آسمان‌ها و زمین و موجودات جلب کرده است و اینکه آن کس که به این آیات ایمان نمی‌آورد، به آیات دیگر هم ایمان نخواهد آورد (دروزه، ۸۵/۴). ظاهراً مقصود دروزه آن نیست که آیات طبیعت و موجودات، همان آیه‌ای هستند که کفار از پیامبر خواسته‌اند؛ بلکه مقصود آن است که آمدن آن آیه هم بی‌فایده خواهد بود.

۳ـ بررسی آراء مفسران

دو ایراد بر مفسران وارد است. ابتدا آنکه در بخش اول که آیه‌ی ۳۸ را مستقل از دیگر آیات بررسی کرده‌اند، در نظر نگرفتن مسائل پیشین مطرح‌شده در سوره، مفسر را از مطلب اصلی دور کرده است. هرچند وجود مسائلی مانند شباهت در خلقت، عبادت، حشر، امت بودن، هدایت‌شده بودن، رفتارهای حیوانی داشتن، روح الهی داشتن، کثرت موجودات و احاطه‌ی خداوند بر همه‌ی مخلوقات می‌تواند وجه شباهت انسان و حیوان در تفسیر «**أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ**» به‌شمار آید و تقریباً تمام این شباهت‌ها بین انسان و حیوان وجود دارد؛ اما توجه به ارتباط میان آیات، می‌تواند مقصود آیه را روشن کرده و قول صحیح را از میان آن‌ها انتخاب کند.

اشکال دومی که بر این آراء وارد است، عدم ارائه‌ی دلیل و یا وجود دلایل ناکافی در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

اثبات رأی انتخاب‌شده است. همان‌طور که در ذیل هر یک از دسته‌های آراء هم به اختصار آورده شده است، برای آراء دسته‌ی اول، پنجم، ششم، هفتم، هشتم و نهم، هیچ دلیلی آورده نمی‌شود. در اثبات رأی دسته‌ی دوم، به آیات ۴۴ از سوره‌ی اسراء و ۲۴ از سوره‌ی نور با مضمون تسبیح همه‌ی موجودات استناد شده است که برای اثبات اینکه همین وجه شباهت میان انسان و حیوان در آیه مطرح بوده است، کافی نیست.

در دسته‌ی سوم، تنها علامه طباطبایی در بیان مسئله‌ی حشر، به بخش آخر از همین آیه استناد کرده است که در رأیی که از طرف ایشان مطرح شده، وجود شعور و زندگی اجتماعی، اصل مطلب مورد نظر بوده است (دسته‌ی چهارم). وی در اثبات وجود شعور برای موجودات، تنها به بخش آخر آیه، یعنی مسئله‌ی حشر استناد می‌کند؛ از این‌رو، باید تمایل ایشان را بیشتر بر رأی دسته‌ی چهارم دانست.

در دسته‌ی چهارم، یعنی اشاره به امت بودن حیوانات مانند انسان، به سه دلیل استناد شده است: اول، واژه‌ی «أُمَمٌ» که در آیه آمده؛ دوم، مثال‌های طبیعی از زندگی اجتماعی حیوانات؛ و سوم، آیاتی از قرآن (سوره‌ی نمل) که به وجود شعور و زندگی اجتماعی برای حیوانات تصریح دارند. در این دسته، هرچند دلایل ارائه‌شده صحیح بوده و زندگی اجتماعی حیوانات را به‌عنوان موضوعی جالب که در زمان نزول قرآن از لحاظ علمی اثبات نشده بود، نشان می‌دهد؛ اما به دلیل عدم توجه این نظر به ارتباط میان آیات، بخش اصلی این استدلال، ناگفته مانده است.

در دسته‌ی دهم، توجه مفسران به ارتباط میان آیات، بخش دیگری از موضوع را روشن کرده است؛ اینکه کفار از پیامبر آیه خواسته‌اند و آیه‌ی ۳۸ با عبارت «**وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ یَطِیرُ بِجَنَاحَیْهِ**»، می‌گوید تمام آنچه در خلقت است، آیه و نشانه‌ی خداست. البته این دسته در ادامه‌ی این استدلال، معتقدند که آیه از کفار خواسته حال که همه‌ی خلقت نشانه خداست، آیه دیگری نخواهند.

در دسته‌ی یازدهم نیز آراء مفسران کامل‌تر شده و علاوه بر توجه به ارتباط با آیات

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

قبل که در دسته‌ی دهم از آراء هم وجود داشت، به قدرت خداوند و توانایی در نزول آیه‌ی مورد نظر اشاره کرده‌اند؛ هرچند باز فخر رازی و عاملی (به دلیل نبود مصلحت در نزول آیه) و محمد دروزه (به دلیل بی‌فایده بودن نزول آیه)، معتقدند که آیه نازل نمی‌شود.

٤ـ تکمیل تفسیر آیه‌ی ۳۸ در ادامه‌ی آراء مفسران

تا به اینجا آراء قابل استناد با توجه به دلایل ارائه شده از طرف مفسران شناخته شد؛ اما در ادامه، برای تکمیل تفسیر این آیه باید به موضوعاتی که در تفاسیر باعث روشن‌تر شدن معنای آیه می‌شود، توجه داشت؛ یعنی بحث معنای امت، زندگی اجتماعی و بحث ارتباط آیات.

٤ـ۱. جنبه‌ی اجتماعی موجود در معنای واژه‌ی «أُمَمٌ»

راغب، در توضیح واژه‌ی «الْأُمَّةُ»، آورده است که به تمام گروه‌ها و جماعاتی که به خاطر کاری و هدفی جمع می‌شوند، اطلاق می‌گردد؛ خواه آن کار دین واحد یا زمان و مکان واحد باشد، اجباری باشد یا اختیاری، به هر صورت، آن گروه واحد را «امّة» و جمعش را «امم» گویند (راغب اصفهانی، ۸۵).

قاموس القرآن، در معنای این لغت می‌آورد: «أُمَّةٌ: جماعتی که وجه مشترک دارند. امّ در لغت به معنی قصد است. گویند: "أَمَّهُ: ای قَصَدَهُ"، "آمِّینَ الْبَیتَ الْحَرامَ" (المائده، ۲)، یعنی قاصدان خانه‌ی خدا؛ بنابراین، امّت به کسانی گفته می‌شود که قصد مشترک و نظر مشترک دارند» (قرشی بنابی، قاموس قرآن، ۱۱۸/۱).

آنچه به‌طور قطع می‌توان از آراء لغت‌شناسان استخراج کرد، بُعد اجتماعی موجود در این واژه است. پس قرآن در بیان شباهت میان انسان و حیوان، با به‌کار بردن واژه‌ی «امه»، قطعاً به نوعی تعامل اجتماعی اشاره دارد که باید در رفتار اجتماعی حیوانات جستجو شود.

حتی در مثال‌های قرآنی که از حیوانات آورده می‌شود، بُعد اجتماعی آن کاملاً مشهود است؛ مطابق آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی نمل «قالَتْ نَمْلَةٌ یا أَیُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَساکِنَکُمْ لا یَحْطِمَنَّکُمْ سُلَیْمانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ»، همان‌طور که انسان‌ها یکدیگر را از خطر مطلع می‌کنند،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

مورچه نیز در قبال دیگر مورچه‌ها حس مسئولیت اجتماعی دارد. این احساس مسئولیت، بعد اجتماعی از زندگی مورچه را به نمایش گذاشته است. همچنین وصفی که هدهد از پادشاهی ملکه سبا دارد، تعامل اجتماعی این پرنده در جریانات زمان خود را نشان می‌دهد (النمل، ۲۰ـ۲۴).

٤ـ۲. اعجاز علمی مطرح در این آیه

با پیشرفت علم و ابزارهای سنجشِ شعور و رفتارهای اجتماعی میان حیوانات، این موضوع که از مصادیق اعجاز علمی در این آیه است، روزبه‌روز روشن‌تر می‌شود. وجود ارتباط میان آیه‌ای که کفار خواسته‌اند و توان خداوند بر نزول آیه و همچنین این موضوع که تمام طبیعت آیات خداوند است، از طرف بسیاری مفسران مطرح شده است؛ اما اینکه چرا از میان آیات طبیعت، خداوند به امت بودن حیوانات مانند انسان‌ها اشاره دارد و اینکه چه آیه و نشانه‌ای در داشتن شعور و زندگی اجتماعی میان حیوانات وجود دارد، باید در مصادیق اعجاز علمی جستجو شود؛ که در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره خواهد شد.

از جمله‌ی مسائل اجتماعی میان حیوانات، یادگیری اجتماعی است. یادگیری اجتماعی، به نوعی از یادگیری اشاره دارد که توسط مشاهده یا تعامل با یک حیوان دیگر صورت می‌پذیرد. یادگیری اجتماعی، در گونه‌های مختلف حیوانات مشاهده شده است[۱]؛ ازجمله حشرات[۲]، ماهی‌ها[۳]، پرندگان[۴]، خزندگان، دوزیستان[۵] و پستانداران[۶].

دکتر شارلوت اوهلن بروک، محقق انگلیسی در زمینه‌ی رفتار جانوران، در فصلی از کتاب خود با عنوان *زندگی حیوانات*، با اشاره به این موضوع که «تعداد بسیار کمی از حیوانات، زندگی خود را در تنهایی به‌سر می‌برند و برخی از دیدنی‌ترین رفتارها زمانی اتفاق می‌افتد که حیوانات با هم جمع می‌شوند»[۷]، به نمونه‌هایی جالب از رفتارهای اجتماعی حیوانات پرداخته است.

1. Galef & Laland, p489; Galef & Giraldeau, p3-15.
2. Alemet al., p1.
3. Brown et al., p. 280-288.
4. Slagsvold, p. 969-977.
5. Ferrari, p621-627.
6. Whiten & Van de Waal, p58-75.
7. Uhlenbroek, p. 421.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

از جمله‌ی تحقیقات اوهلن بروک، نشان دادن دموکراسی در تصمیم‌گیری گروهی زنبورها است؛ به این ترتیب که زمانی که قصد تغییر محل کلونی را داشته باشند، عده‌ای از زنبوران پیشاهنگ مأمور یافتن محل جدید می‌شوند. پس از بازگشت، هر یک از آن‌ها درحین نوعی رقص، محل مورد نظر خود را نشان داده و دیگر زنبوران، گرد آن‌ها جمع می‌شوند. این روند، تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که یکی از گروه‌ها تعدادشان به‌طور چشمگیری از بقیه‌ی گروه‌ها بیشتر شود. این به معنای پیروزی آن گروه در انتخاب محل کلونی جدید است[1].

پرفسور کارل فون فریش اتریشی‌الاصل، استاد جانورشناسی در دانشگاه مونیخ آلمان بود. وی به خاطر تحقیقاتش درزمینه‌ی شیوه‌ی ارتباط و زندگی زنبورها در سال، ۱۹۷۳ برنده‌ی جایزه نوبل شد. پیش از تحقیقات او، وجود زبان نمادین، از ویژگی‌های بی‌همتا و بنیادی انسان به‌شمار می‌رفت؛ اما با کشف راز حرکت‌های چرخشی و جنبشیِ زنبوران پیشاهنگ بر روی کندو، زبان نمادین در میان حشرات هم اثبات شد.

فون فریش، در تحقیقات خود دریافت که در پیدا کردن غذا توسط زنبورها، پس از پدیدار شدن یک زنبور پیشاهنگ در اطراف ظرف غذا، سروکله‌ی تعداد زیادی زنبوران سرباز پیدا می‌شود. ابتدا حدس او آن بود که سربازان بوی غذایی را که قسمتی از آن توسط پیشاهنگ آورده شده، ردیابی می‌کنند؛ اما با آزمایشات متعدد، این فرضیه به اثبات نرسید و او دریافت که زنبور پیشاهنگ از حرکات نمادین چرخشی و جنبشی بر روی کندو برای مخابره اطلاعات محل غذا استفاده می‌کند.

فون فریش دریافت که اگر ظرف غذا در نزدیکی کندو باشد، زنبورهای پیشاهنگ، حرکت دایره‌ای (چرخشی) و اگر ظرف غذا دورتر باشد، حرکات جنبشی را روی کندو اجرا می‌کنند. او به مرور متوجه جزئیات بیشتر و دقیق‌تری درباره‌ی انواع حرکات زنبورها شد؛ ازجمله اینکه با افزایش فاصله‌ی غذا، سرعت یا آهنگ حرکت زنبور پیشاهنگ روی کندو بیشتر می‌شود. همچنین دریافت زاویه‌ی حرکت جنبشی، با زاویه محل غذا نسبت به

1. ibid, p425.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

نور خورشید برابر است. بدین ترتیب، حرکت جنبشی و چرخشی زنبورهای پیشاهنگ علاوه بر فاصله، جهت منبع غذا را نیز مخابره می‌کند و زنبورهای سرباز، با کمک این اطلاعات می‌توانند منبع غذا را پیدا کنند. در تحقیقات بعدی نشان داده شد حرکات زنبورهای پیشاهنگ به‌گونه‌ای قابل پیش‌بینی با هم متفاوت است؛ همان‌طوری که منابع غذایی به لحاظ فاصله و جهت با هم تفاوت دارند و به این ترتیب زنبورهای سرباز، باکمک اطلاعات حاصل از حرکات پیشاهنگ‌ها، محل منبع غذا را پیدا می‌کنند. همچنین، فون فریش دریافت که زنبورهای سرباز می‌توانند محل غذا را حتی در روزهای ابری که موقعیت خورشید نامعلوم است، پیدا کنند[1].

رسم احوالپرسی و زندگی خانوادگی میان فیل‌ها[2]، وجود استرس و روش‌های دفع آن میان میمون‌ها[3]، بچه‌دزدی و بردگی میان موش‌ها[4]، نحوه‌ی شناسایی فرزندان در میان پنگوئن‌ها[5] و مسیریابی در میان مورچه‌ها[6]، از دیگر رفتارهای اجتماعی و ارتباطی میان حیوانات است که به‌عنوان تعاملات اجتماعی حیوانات می‌توان به آن اشاره داشت.

٤ـ۲. توجه به ارتباط آیات در سوره

بسیاری از مفسران، محور اصلی سوره‌ی انعام را اصول دین و جدال با کفار بر سر اصول، دانسته‌اند.[7] از همان ابتدای سوره، انکار خدا، پیامبر(ص) و کتب آسمانی از طرف

1. Von Frisch, p 206-226.
2. Uhlenbroek, p 467.
3. ibid, p 436.
4. ibid, p 435.
5. ibid, p 459.
6. ibid, p 474.

۷. سیدقطب، در تفسیر خود، *فی ظلال القرآن*، حقیقت الوهیت را محور اصلی سوره می‌داند (قطب، ۱۰۲۲/۲ـ۱۰۲۵). علامه در *المیزان* نیز محوریت توحید و اصول دین را بیان می‌کند (طباطبایی، ۵/۷). بقاعی در نظم الدرر فی *تناسب الآیات و السور* و محمود شحاته در *اهداف کل سوره و مقاصدها*،[7] محور سوره را اصول دین می‌دانند (بقاعی، ۱/۷؛ شحاته، ۷۹). عبدالعلی بازرگان در *نظم قرآن*، پس از اشاره به برجستگی موضوع جدل با کفار در این سوره، محور اصلی را مسائل ایدئولوژیک یعنی همان توحید، نبوت و قیامت معرفی می‌کند (بازرگان، ۱۳۱/۱).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

کفار مطرح است.[۱] همچنین بحث هدایت به‌وسیله‌ی آیات طبیعت و آیات کتب آسمانی، از آیه‌ی سوم شروع شده و تا آخر سوره به کرّات مطرح می‌شود.[۲] با توجه به موضوعات اصلی مطرح‌شده در سوره، می‌توان مطالب ذکرشده در آیه‌ی ۳۸ و آیات قبل از آن را تحلیل کرد؛ به این ترتیب که از ابتدای سوره تا آیه‌ی ۳۲، تکذیب هر یک از اصول دین توسط کفار، مهم‌ترین مسئله‌ی مطرح در سوره است. آیات ۳۳ و ۳۴، خطاب به پیامبر و با اشاره به این موضوع که تمامی پیامبران پیش از تو هم تکذیب شده‌اند، به دلداری پیامبر پرداخته و در ادامه می‌فرماید که بدون مشیت و خواست خدا نمی‌توانی کفار را هدایت کنی و اگر خداوند می‌خواست، خود همه را هدایت می‌کرد.

این کفار که در آیات قبل به تکذیب پیامبر و آیات قرآن پرداخته‌اند، (آیات ۷ــ۱۰؛ آیات ۲۰،۲۱، ۲۵، ۲۷) در آیه‌ی ۳۷، درخواست آیه‌ای از طرف خدا می‌کنند، غیر از آیات قرآن که پیش‌تر توسط آن‌ها تکذیب شده است: «**وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ**» (الانعام، ۳۷). خداوند در جواب این درخواست در سیاق حاضر به پیامبر می‌فرماید: «بگو خداوند می‌تواند آیه‌ای نازل کند» و سپس در سیاق غائب می‌فرماید: «اما آن‌ها آیه را درک نمی‌کنند».

سپس بلافاصله در آیه‌ی ۳۸، نشانه‌ای از آیات طبیعت آورده شده است که می‌فرماید:

---

۱. آیات با موضوع کفر در سوره انعام: ۲ـ۴ـ۵ـ۶ـ۷ـ۸ـ۱۰ـ۱۱ـ۱۲ـ۱۴ـ۱۵ـ۱۹ـ۲۰ـ۲۱ـ۲۲ـ۲۳ـ۲۴ـ۲۵ـ۲۶ـ۲۷ــ۲۸ـ۲۹ـ۳۰ـ۳۱ـ۳۲ـ۳۳ـ۳۴ـ۳۵ـ۳۷ـ۳۸ـ۳۹ـ۴۰ـ۴۱ـ۴۲ـ۴۳ـ۴۴ـ۴۵ـ۴۶ـ۴۷ـ۴۸ـ۴۹ـ۵۱ـ۵۲ـ۵۳ـ۵۴ــ۵۵ــ۵۶ـ۵۷ـ۵۸ـ۶۱ـ۶۳ـ۶۴ـ۶۶ـ۶۷ـ۶۸ـ۷۰ـ۷۱ـ۷۴ـ۷۷ـ۷۸ـ۷۹ـ۸۰ـ۸۱ـ۸۲ـ۸۸ـ۸۹ـ۹۱ـ۹۳ـ۹۴ـ۹۵ـ۹۷ــ۹۹ــ۱۰۰ـ۱۰۵ـ۱۰۶ـ۱۰۷ـ۱۰۸ـ۱۰۹ـ۱۱۰ـ۱۱۱ـ۱۱۲ـ۱۱۳ـ۱۱۴ـ۱۱۶ـ۱۱۷ـ۱۱۹ـ۱۲۰ـ۱۲۱ـ۱۲۲ـ۱۲۳ــ۱۲۴ــ۱۲۵ـ۱۲۷ـ۱۲۹ـ۱۳۰ـ۱۳۱ـ۱۳۵ـ۱۳۶ـ۱۳۷ـ۱۳۸ـ۱۳۹ـ۱۴۰ـ۱۴۲ـ۱۴۳ـ۱۴۴ـ۱۴۵ـ۱۴۶ـ۱۴۷ـ۱۴۸ــ۱۵۰ــ۱۵۱ـ۱۵۳ـ۱۵۶ـ۱۵۷ـ۱۵۸ـ۱۵۹ـ۱۶۰ـ۱۶۱ـ۱۶۳ـ۱۶۴.

۲. آیات مربوط به هدایت با آیات طبیعت و آیات کتب آسمانی: ۱ـ۳ـ۴ـ۶ـ۷ـ۸ـ۱۱ـ۱۲ـ۱۳ـ۱۴ـ۱۹ـ۲۰ـ۲۱ـ ۲۵ــ۲۶ـ۲۷ـ۳۳ـ۳۵ـ۳۷ـ۳۸ـ۳۹ـ۴۶ـ۴۹ـ۵۴ـ۵۵ـ۵۹ـ۶۰ـ۶۳ـ۶۵ـ۶۸ـ۷۱ـ۷۳ـ۷۵ـ۷۶ـ۷۷ـ۷۸ـ۷۹ـ۸۱ـ۸۹ــ۹۰ــ۹۱ـ۹۲ـ۹۳ـ۹۵ـ۹۶ـ۹۷ـ۹۸ـ۹۹ـ۱۰۱ـ۱۰۵ـ۱۰۹ـ۱۱۱ـ۱۱۴ـ۱۱۶ـ۱۱۸ـ۱۲۴ـ۱۲۵ـ۱۲۶ـ۱۳۰ــ۱۳۶ــ۱۳۸ــ۱۴۱ـ۱۵۰ـ۱۵۴ـ۱۵۵ـ۱۵۶ـ۱۵۷ـ۱۵۸.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ یطِیرُ بِجَنَاحَیهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُکمْ مَا فَرَّطْنَا فِی الْکتَابِ مِنْ شَیءٍ ثُمَّ إِلَی رَبِّهِمْ یحْشَرُونَ» (الانعام، ۳۸)؛ به این معنا که خداوند، زندگی اجتماعی حیوانات را که از مصادیق اعجاز علمی قرآن است، جلوی چشم کافران قرار داده و البته می‌داند که آن را درک نمی‌کنند: «وَلَکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لَا یَعْلَمُونَ» (الانعام، ۳۷).

همان‌طور که ابن جزی و ابوحیان هم در دسته‌ی دهم آراء اشاره کرده‌اند، آیات طبیعی ذکرشده در آیه‌ی ۳۸، در راستای درخواست کفار برای نزول آیه‌ای غیر از قرآن است؛ اما این مفسران، کل خلقت را آیه و نشانه‌ی خدا دانسته‌اند و به آیت بودن زندگی اجتماعی حیوانات مانند انسان‌ها، اشاره‌ای نمی‌کنند.

دسته‌ی یازدهم نیز از این جهت بحث را عقیم گذاشته‌اند که معتقدند خداوند می‌تواند آیه‌ای بیاورد؛ اما اشاره نمی‌کنند که نشانه‌ی خواسته‌شده، در آیه‌ی ۳۸ آورده شده است. حتی فخر رازی و عاملی، معتقدند که آیه نازل نشده است، چون مصلحت نیست (فخررازی، ۵۲۵/۱۲؛ عاملی، ۳/ ۴۳۴)؛ و دروزه، می‌گوید آیه آورده نشده است، چون آن‌ها که به آیات قبلی ایمان نیاورده‌اند، نزول این آیه هم برایشان بی‌فایده خواهد بود (دروزه، ۸۵/۴). حال آنکه با توجه به واژه‌ی «امم» و با دقت در آیاتی از قرآن که زندگی اجتماعی مورچه و شعور هدهد را به‌عنوان نمونه‌هایی از زندگی اجتماعی و درک حیوانات آورده است، همچنین با توجه به مصادیق اعجاز علمی که امروزه پررنگ‌تر از قبل مطرح است، می‌توان ارتباط میان این آیات را کامل‌تر از آنچه تاکنون مطرح شده، نشان داد؛ به این ترتیب که آیه‌ی خواسته‌شده توسط کفار، می‌تواند همان زندگی اجتماعی بیان‌شده در «أُمَمٌ أَمْثَالُکُمْ» باشد که امروزه تعجب دانشمندان جانورشناس را برانگیخته و نشانه‌ای از حقانیت قرآن است که سال‌ها قبل از پیدایش این علوم، به زندگی اجتماعی و شعور حیوانات اشاره داشته است.

نتایج مقاله

آراء مفسران در تفسیر عبارت «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ یَطِیرُ بِجَنَاحَیْهِ إِلَّا أُمَمٌ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

أَمْثَالُكُمْ»، بدون در نظر داشتن ارتباط آیات، در نُه دسته‌ی مختلف تقسیم‌بندی می‌شود که عبارت‌اند از: شباهت انسان و سایر موجودات در مخلوق بودن، شناخت و عبادت خدا، ضبط اعمال برای روز حشر، امت بودن و زندگی اجتماعی داشتن، هدایت، شباهت در رفتارها، شباهت در داشتن روح الهی، احاطه‌ی خداوند به احوال همه‌ی موجودات و کثرت (هر صنف مشتمل بر تعداد زیادی هستند). از میان این نُه دسته، دلایل ارائه‌شده در دسته‌ی چهارم، یعنی امت بودن و زندگی اجتماعی داشتن، از دیگر دسته‌های آراء قوی‌تر است. دو دسته دیگر از مفسران، با در نظر داشتن ارتباط میان آیات، معتقدند که همه‌چیز، آیه و نشانه‌ی خداست. پس کفار نباید آیه‌ی دیگری بخواهند؛ و دسته‌ی دوم، معتقدند خداوندی که همه‌چیز را آفریده، قدرت دارد آیه‌ای را که می‌خواهید، بیاورد. این دو دسته از آراء، دلایل قوی‌تری نسبت به آراء قبلی دارند؛ هرچند کاملاً موضوع را بیان نکرده‌اند.

توجه به ارتباط میان آیات قبل از آیه‌ی ۳۸ و همچنین در نظر داشتن دسته‌های چهارم، دهم و یازدهم از آراء که دلایل کامل‌تری ارائه کرده‌اند و همچنین توجه به اعجاز علمی ذکرشده در آیه، به تفسیر این عبارت کمک کرده و نشان می‌دهد که کفار پس از تکذیب آیات قرآن و رسالت پیامبر، از ایشان آیات دیگری خواستند و خداوند پس از بیان توانایی و قدرت خود در نزول آیه، بلافاصله به زندگی اجتماعی حیوانات که امروزه با دریافت‌های جدید علمی از مصادیق اعجاز علمی به‌شمار می‌رود، اشاره کرده و آیه را در حقیقت بر آن‌ها نازل کرده است؛ اما به تعبیر آیه‌ی ۳۷، اکثر آن‌ها علمش را ندارند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. آل‌غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ش.

۳. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.

۴. ابن ابی جامع، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.

۵. ابن ابی‌حاتم، عبد الرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبة نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.

۶. ابن جزی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: شرکة دارالأرقم بن أبی الأرقم ۱۴۱۶ق.

۷. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، تذکرة الأریب فی تفسیر الغریب، بیروت: دارالکتب العلمیة ۱۴۲۵ق.

۸. ابن‌عادل، عمر بن‌علی، اللباب فی علوم الکتاب، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.

۹. ابن‌عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن‌عاشور، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.

۱۰. ابن‌عجیبه، احمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ق.

۱۱. ابن‌عربی، محمد بن علی، رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، دمشق: مطبعة نضر، ۱۴۱۰ق.

۱۲. ابن‌عرفه، محمد بن محمد، تفسیر ابن عرفة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۸م.

۱۳. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.

۱۴. ابوالسعود، محمد بن محمد، تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم)، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۹۸۳م.

۱۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

۱۶. ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.

۱۷. ابوزهره، محمد، زهرة التفاسیر، بیروت: دار الفکر، بی‌تا.

۱۸. ابوعبیده، معمر بن مثنی، مجاز القرآن، قاهره: مکتبة الخانجی، ۱۳۸۱ش.

۱۹. اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ش.

۲۰. امین، نصرت‌بیگم ، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، [بی‌جا]: [بی‌نا]، بی‌تا.

۲۱. بازرگان، عبد العلی، نظم قرآن، تهران: نشر قلم، ۱۳۷۵ش.

۲۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۵ق.

۲۳. بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۲۴. بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، بیروت: دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۷ق.

۲۵. بلاغی، عبدالحجه، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم: حکمت (چاپخانه)، ۱۳۸۶ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

۲۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۷. پانی‌پتی، ثناءالله، التفسیر المظهری، پاکستان–کویته: مکتبهٔ رشدیه، ۱۴۱۲ق.
۲۸. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحیاء التـراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۹. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۳۰. ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران: برهان، ۱۳۹۸ش.
۳۱. جرجانی، حسین بن حسن، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ش.
۳۲. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم، عمان: دار الفکر، ۱۴۳۰ق.
۳۳. جزایری، ابوبکر جابر، ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، مدینه منوره: مکتبهٔ العلوم و الحکم، ۱۴۱۶ق.
۳۴. جمل، سلیمان بن عمر، الفتوحات الإلهیهٔ بتوضیح تفسیر الجلالـین للـدقایق الخفیـهٔ، بیـروت: دار الکتـب العلمیـهٔ، ۱۴۲۷ق.
۳۵. حائری طهرانی، علی، مقتنیات الدرر، تهران: دار الکتب الإسلامیهٔ، ۱۳۳۸ش.
۳۶. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی، ۱۴۰۴ق.
۳۷. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر، بی‌تا.
۳۸. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره: دار السلام، ۱۴۲۴ق.
۳۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۴۰. خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیهٔ، ۱۴۱۵ق.
۴۱. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۹۰ش.
۴۲. خطیب شربینی، محمد بن احمد، تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر، بیروت: دار الکتب العلمیهٔ، ۱۴۲۵ق.
۴۳. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دار الفکر العربی، ۱۴۲۴ق.
۴۴. خفاجی، احمد بن محمد، حاشیهٔ الشهاب المسماهٔ عنایهٔ القاضی و کفایهٔ الراضی علی تفسیر البیضاوی، بیـروت: دار الکتب العلمیهٔ، ۱۴۱۷ق.
۴۵. داورپناه، ابوالفضل، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران:کتابخانه صدر، ۱۳۶۶ش.
۴۶. دخیل، علی محمد علی، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (دخیل)، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۲۲ق.
۴۷. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث :ترتیب السور حسب النزول، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۲۱ق.
۴۸. دهقان، اکبر، نسیم رحمت تفسیر قرآن کریم، قم: حرم، ۱۳۸۷ش.
۴۹. دینوری، عبدالله بن محمد، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیهٔ، ۱۴۲۴ق.
۵۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیهٔ، ۱۴۱۲ق.
۵۱. رضا، محمد رشید، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دار المعرفهٔ، ۱۴۱۴ق.
۵۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

۵۳. روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی‌نصر، عرائس البیان فی حقائق القرآن، بیروت:دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۸م.
۵۴. زبیدی، ماجد ناصر، التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایة أهل البیت، بیروت: دار المحجة البیضاء، ۱۴۲۸ق.
۵۵. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۵۶. سبزواری، محمد، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
۵۷. همو، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۵۸. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۵۹. سمین، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
۶۰. سیدکریمی حسینی، عباس، تفسیر علیین، قم: اسوه، ۱۳۸۲ش.
۶۱. سیواسی، احمد بن محمود، عیون التفاسیر، بیروت: دار صادر، ۱۴۲۷ق.
۶۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم:کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
۶۳. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، ۱۳۶۳ش.
۶۴. شبر، عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت: شرکة مکتبة الالفین، ۱۴۰۷ق.
۶۵. همو، تفسیر القرآن الکریم(شبر)، قم: موسسة دار الهجرة، ۱۴۱۰ق.
۶۶. شحاته، عبدالله محمود، تفسیر القرآن الکریم، قاهره: دار غریب، ۱۴۲۱ق.
۶۷. شعراوی، محمد متولی، تفسیر الشعراوی، اخبار الیوم، بیروت: ادارة الکتب و المکتبات، ۱۹۹۱م.
۶۸. شوکانی، محمد، فتح القدیر، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۶۹. شیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، قم: نشر الهادی، ۱۴۱۳ق.
۷۰. شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی، حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۷۱. صابونی، محمد، صفوة التفاسیر، بیروت: دار الفکر علی، ۱۴۲۱ق.
۷۲. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبة محمد الصادقی الطهرانی، ۱۴۱۹ق.
۷۳. همو، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم:فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۷۴. صاوی، احمد بن محمد، حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
۷۵. صدیق‌حسن‌خان، محمدصدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
۷۶. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، تفسیر القرآن العزیز المسمّی تفسیر عبدالرزاق، بیروت: دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۷۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت:مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ش.
۷۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر:تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اردن–اربد: دار الکتاب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۷۹. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

۸۰. همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۸۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفهٔ، ۱۴۱۲ق.
۸۱. طنطاوی، محمد سید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره: نهضهٔ مصر، ۱۹۹۷م.
۸۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۸۳. طوفی، سلیمان بن عبدالقوی، الإشارات الالهیهٔ الی المباحث الاصولیهٔ، بیروت: دار الکتب العلمیهٔ، ۱۴۲۶ق.
۸۴. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، ۱۳۶۹ش.
۸۵. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران:کتابفروشی صدوق، ۱۳۶۰ش.
۸۶. عرابی، محمد غازی، التفسیر الصوفی الفلسفی للقرآن الکریم، دمشق: دار البشائر، ۱۴۲۶ق.
۸۷. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۸۸. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دار الملاک، ۱۴۱۹ق.
۸۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبهٔ الصدر، ۱۴۱۵ق.
۹۰. قاسمی، جمال‌الدین، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، بیروت: دار الکتب العلمیهٔ، ۱۴۱۸ق.
۹۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۹۲. قرشی بنابی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۵ش.
۹۳. همو، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیهٔ، ۱۳۷۱ش.
۹۴. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ق.
۹۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیرکنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸ش.
۹۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۳ش.
۹۷. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله ، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران:کتابفروشی اسلامیه، بی‌تا.
۹۸. کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۱۰ق.
۹۹. کاشفی، حسین بن علی ، تفسیر حسینی (مواهب علّیه)، سراوان:کتابفروشی نور، بی‌تا.
۱۰۰. ماتریدی، محمد بن محمد، تأویلات أهل السنهٔ (تفسیر الماتریدی)، بیروت:دار الکتب العلمیهٔ، ۱۴۲۶ق.
۱۰۱. محلی، محمد بن احمد، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسهٔ النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۱۰۲. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۱۰۳. مراغی، احمد مصطفی ، تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۱۰۴. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
۱۰۵. همو، التفسیر المبین، قم:دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۲۵ق.
۱۰۶. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت:دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۱۰۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیهٔ، ۱۳۱۷ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

۱۰۸. مکی بن حموش، الهدایة إلی بلوغ النهایة، –امارات–شارجه: جامعة الشارقه، ۱۴۲۹ق.

۱۰۹. مهائمی، علی بن احمد، تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المنان، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۳ق.

۱۱۰. میبدی، احمد بن محمد،کشف الاسرار و عدة الابرار ، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱ش.

۱۱۱. نسفی، عبدالله بن احمد، تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل، بیروت: دار النفائس، ۱۳۱۶ش.

۱۱۲. نظام الاعرج، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق.

۱۱۳. نووی، محمد، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت:دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.

۱۱۴. نهاوندی، محمد، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: موسسة البعثة، مرکز الطباعة و النشر، ۱۳۸۶ش.

۱۱۵. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، إیجاز البیان عن معانی القرآن، بیروت:دار الغرب الإسلامی، ۱۴۱۵ق.

۱۱۶. واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (واحدی)، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۵ق.

۱۱۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.

118. Alem, Sylvain, Clint J. Perry, Xingfu Zhu, Olli J. Loukola, Thomas Ingraham, Eirik Søvik, and Lars Chittka. "Associative mechanisms allow for social learning and cultural transmission of string pulling in an insect." PLOS Biology 14, no. 10 (2016): e1002564.

119. Brown, Culum, and Kevin N. Laland. "Social learning in fishes: a review." Fish and fisheries 4, no. 3 (2003): 280-288.

120. Ferrari, Maud CO, François Messier, and Douglas P. Chivers. "First documentation of cultural transmission of predator recognition by larval amphibians." Ethology 113, no. 6 (2007): 621-627.

121. Galef Jr, Bennett G., and Luc-Alain Giraldeau. "Social influences on foraging in vertebrates: causal mechanisms and adaptive functions." Animal behaviour 61, no. 1 (2001): 3-15.

122. Galef, Bennett G., and Kevin N. Laland. "Social learning in animals: empirical studies and theoretical models." Bioscience 55, no. 6 (2005): 489-499.

123. Slagsvold, Tore, and Karen L. Wiebe. "Social learning in birds and its role in shaping a foraging niche." Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences 366, no. 1567 (2011): 969-977.

124. Uhlenbroek, Charlotte, Animal Life: Secrets of the Animal World Revealed, New York: 2011.

125. Von Frisch, K. The Dancing Bees, Chicago: University of Chicago Press, 2016.

126. Whiten, Andrew, and Erica van de Waal. "Social learning, culture and the 'socio-cultural brain'of human and non-human primates." Neuroscience & Biobehavioral Reviews 82 (2017): 58-75.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1398.13.25.2.1]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-16]